

«تبشیری‌ها» در ایران

عملکرد مبلغان مسیحی در ایران دوره قاجار

احمد رهدار

ترجمه کتاب عهد عتیق را بر عهده گرفت. در واقع، کتاب عهد عتیق نیز یکی از ابزارهای کار مبلغان مسیحی بود؛ چراکه با ورود به قرن نوزدهم میلادی / سیزدهم هجری قمری و رشد آرا و عقاید عقل گرانه، پرسخی مندرجات کتب مقدس مورد انتقاد قرار گرفت. بدین ترتیب و به قول گورنفلد - محقق آلمانی - اگر تاریخی بودن موضوع‌های این دو کتاب مقدس مردود شمرده می‌شد. مسیحیت نیز بی‌اعتبار تلقی می‌گردید. از این جهت مبلغانی مانند گلن در صدد برآمدند با ترجمه نسخه‌هایی از کتاب عهد عتیق که در شرق موجود بود، هم درباره این کتاب تحقیق به عمل آورند و هم ابزار تبلیغ مبلغان را تکمیل کنند. گلن «زمامیر» و «کتاب امثال» را نیز به فارسی ترجمه کرد. مبلغان منفرد، بازگانان و نمایندگان سیاسی کشورهای اروپایی، این دو کتاب و دیگر کتب و رسالات انجمنهای تبلیغی را پخش می‌کردند.

سرانجام رایت بروس پس از ورود به هندوستان و اقامت در ایران، در ترجمه کتاب عهد جدید هنری مارتین و عهد عتیق گلن تجدیدنظر به عمل آورد و آنها را دوباره تصحیح کرد. ترجمه جدید بروس از عهد جدید، از حدود سال ۱۸۹۰/۱۸۹۱ ق. تابه امروز آخرین ترجمه از این کتاب است. بروس به سبب ترجمه این دو کتاب، از سوی «انجمن انجیل برای بریتانیا در خارج» به عنوان نماینده انجمن در ایران انتخاب شد. پس از نیز این انجمن و انجمن تبلیغی کلیسا نمایندگانی را برای نظارت بر ترجمه کتب و ادعیه مذهبی به ایران فرستادند که

فعال ترین آنها بلفغی به نام تیزدال (Tizdale) بود. مراکز اصلی انجمن تبلیغی کلیسا و انجمن انجیل برای بریتانیا در خارج، در تهران و اصفهان متصرف بودند و تقریباً در فاصله زمانی حدود سال - از آغاز تا پایان دوره قاجاریه - هفده هزار و چهارصد و اواده جلد حاوی بخشهايی از تورات، بیست هزار جلد انجیل، شصت و چهل هزار جلد عهد جدید، به همراه عهد عتیق و مزمایر را چاپ و برای استفاده عامه مردم در ایران منتشر

پیچیده‌تر شد. این نوشتار در صدد است پس از بررسی کلی ماهیت، شیوه و گستره فعالیت مبلغان مذهبی - سیاسی از سه قرن پیش تاکنون، به معرفی سه تن از موثرترین این مبلغان: هنری مارتین، ژوف و لف و رایت بروس بپردازد.

نگاهی کلی به فعالیتهای مبلغان مسیحی در ایران ۱- ترجمه و پخش انجیل:

مقارن سالهای پایانی قرن ۱۳/۱۸ م.ق. و با تاسیس و سازمان یافتن انجمنهای تبلیغی در اروپا، بهویژه در انگلستان، و به دنبال گسترش اهداف توسعه‌طلبانه و استعماری این دوران در مشرق زمین، سیل مبلغان پرتوستان به سراسر جهان و بهویژه به سرزمینهای شرق، سرازیر شد. در این بین، به سبب سیاست سیاسی انگلستان در هندوستان، این سرزمین به عنوان یکی از مهمترین مراکز فعالیت مبلغان مذهبی انگلستان انتخاب شد. اما زبان هندی تها زبان رایج در این سرزمین نبود، بلکه زبان فارسی به عنوان زبان ادبی، زبان مشترک در سراسر هندوستان و زبان محاکم اسلامی و دادگاههای قضایی بریتانیایی بکبر در هندوستان بود. نظر به اهمیت زبان فارسی، مبلغان مسیحی که در هندوستان فعالیت می‌کردند، در صدد برآمدند برای پیشبرد مقاصد تبلیغی خود، متن کتاب مقدس را به زبان فارسی ترجمه کنند و نسخه‌هایی از این کتاب را در اختیار عامه مردم هندوستان قرار دهند. مهمترین و فعلترين این مبلغان هنری مارتین بود. وی طی سفر به ایران کتاب عهد جدید - انجیلهای چهارگانه - را ترجمه کرد و پس از مرگ او نیز این ترجمه‌ها را کمی اصلاحات سه بار تجدید چاپ شد و از حدود سال ۱۸۲۷/۱۲۴۳ ق. به مدت نیم قرن به عنوان تنها ترجمه از انجیل در این سرزمین مورد استفاده قرار گرفت.

بیست و شش سال پس از ترجمه انجیل هنری مارتین، یک مبلغ اسکاتلندی به نام ویلیام گلن (William Glen) که در قفقاز با هیأت تبلیغی بازی همکاری می‌کرد، کار

۱- هنری مارتین، ژوف و لف و رایت بروس از جمله مبلغان کارآزموده و سرشناس مسیحی بودند که هر کدام دوره‌ای از فعالیت تبلیغی خود را در ایران سپری کردند و در گسترش جنبش نوین مسیحی در ایران سهم عمده‌ای داشتند. آنان علاوه بر فعالیتهای دینی و فرهنگی و انجام خدمات رفاهی مانند کمکهای پزشکی و آموزشی در ایران، با نگارش سفرنامه‌های خود در شناخت ایران برای نذیق غرب سهیم شدند. مطالعه در مورد انگیزه‌ها و شیوه‌های تبلیغی آنان در ایران ما را در باور متدالو درباره سکولاریزم دنی در غربی دچار تردید می‌کند؛ چراکه به خوبی معلوم می‌شود مبلغان مذکور تحت حمایت اشخاص و نهادهای سیاسی استعمار در کار خود موقفيتهایی به دست می‌آورند و این می‌تواند موجب این سوال شود که چرا استعمار و مسیحیت دست در دست یکدیگر به سیاحت و نفوذ در شرق می‌برداختند و چه رابطه تنگانگی میان آنها وجود داشته است؟ تفصیل جالبی پیرامون این موضوع در مقاله زیر فراهم گردیده است که تقدیم شما می‌گردد.



سرزمین ایران از دیرباز شاهد حضور مسیحیان (بهویژه نسطوریان) بوده است. تا پیش از پنج سده قبل، تعامل ایرانیان با مسیحیان - که بسیاری از آنان خودشان ایرانی بودند - بیشتر اقتصادی و معیشتی و کمتر سیاسی - دینی بود. اماز آن پس، بهویژه به تبع شکل گیری عملی استعمارگری، که ارتباط بیشتر ملل و نحل ضرورت یافت، مذهب و عقاید دینی در این ارتباط از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده‌اند تا جایی که در قرون اخیر، استعمار تلاش کرده است از همین محمل، برای پیشبرد اهداف استعماری خود بهره ببرد. به همین دلیل، نهادهایی که مذهب و عقاید را نمایندگی می‌کردند - از جمله دستگاه کلیسا - بیش از پیش رنگ سیاسی به خود گرفتند و به موازات توسعه و گسترش استعمارگری، فعالیت آنها نیز

در ایران و دیگر سرزمینهای شرقی را به صورت سفرنامه نوشت و تنظیم کردند. این استناد تنها در حیطه امور تبلیغی مبلغان مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، بلکه یکی از مهمترین منابع برای تحقیق و پژوهش در ادوار تاریخی جهان و ایران محسوب می‌شوند. سفرنامه‌های مبلغانی مانند سانسون (کتاب دو جلدی و قایع نگار کرمیت هاک) تاریخچه فعالیت مبلغان مذهبی کاتولیک در ایران را براساس یادداشتها و گزارش‌های آنان در حد فاصل قرون ۱۷ و ۱۸ م. یان می‌کند. نامه‌های بازن (پژشک مخصوص نادرشاه) و نامه‌های گشیشانی که در حد فاصل دوره صفویه تا پایان دوران افشاریه در ایران اقامت داشتند، از جمله این موارد هستند. سفرنامه‌های مذکور، راهنمای مناسبی برای مبلغان تازه‌کار و داوطلب انجام امور تبلیغی در سرزمینهای شرقی مانند ایران بودند که از اولین و مهمترین آنها می‌توان به خاطرات و یادداشت‌های هنری مارتین اشاره کرد. این یادداشت‌ها که پس از مرگ هنری مارتین به گونه‌ای تصادفی به انگلستان رسیدند، را اعضاً انجمن تبلیغی کلیسا چاپ و منتشر کردند. همچنین یادداشت‌های پیتر گوردون با عنوان «بخشی از دفتر روزانه سفر در ایران در ۱۸۲۰ م.» تالیفات جان کیتو با عنوان «نظری به دربار ایران با توجه به کاربرد کتاب مقدس» و «کشور و مردم ایران» و «شرح سفرهای ژوف لوف» در سه کتاب، اثار کلازا رسی با عنوان «ماری برد در ایران»^۱ و «زان ایرانی و رسوم آنها»^۲ اثر ناپیر مالکم^۳ (از مبلغان و معلمان انجمن تبلیغی کلیسا در پزد) با عنوان «پنج سال در یک شهر ایران»^۴ و اثر اسقف لینتون که سر پرسی سایکس مقدمه‌ای بر آن نوشته است، با عنوان «شرحهای خلاصه ایرانی»^۵ از این جمله می‌باشدند.

فهرست برخی از انتشارات انجمن تبلیغی کلیسا درباره ایران را به شرح ذیل می‌توان برشمود: نامه‌های اسقف لینتون با عنوان «پیشرفت ایران»^۶، «نظری اجمالی به ایران»^۷ درباره تاریخ، جغرافیا و رسوم متدالو؛ «پژشکان در ایران»^۸ اثر امیلین استوارت که شرح هیات پژشکی انجمن تبلیغی کلیسا در ایران را دربردارد؛ «ایران قدیم و جدید»^۹، اثر ویلسون کش؛ «اگریه یک کودک»، گزارشی درباره قالب‌گران کرمان که یکی از پرستاران انجمن تبلیغی کلیسا نگاشته است، «کلوجه ایرانی»^{۱۰} کتابی با جداول، بازیها، تصاویر و داستانهای ایرانی؛ «حسن پسر یک راهن»^{۱۱}

۵- فعالیت پژشکی

مبلغان مسیحی معتقد بودند یک پژشك مبلغ، باید نسخه زنده انجیل باشد. چون پژشکان می‌توانند با تیام‌بخشیدن به دردهای بیماران، تأثیر عمیقی در روحیه آنها ایجاد کنند. براین اساس، آنان براین باور بودند که پژشك هیات تبلیغی ناید هیچگاه فراموش کند که وی در وهله اول یک مبلغ است تا یک پژشك. طبیعی است برخلاف یک معلم مبلغ که تنها با کودکان سروکار دارد، یک پژشك مبلغ، می‌تواند با تمامی قشرهای مختلف اجتماعی ارتباط برقرار کند و در شرایطی که بیمار شدیداً به کمک وی احتیاج دارد، بهنوعی مقدمات

کردند؛ حال آنکه در آن زمان تعداد جمعیت باسوس ایران از ده‌هزار نفر بیشتر نبود.
۲- انتشار کتب مذهبی در کنار کتاب مقدس:

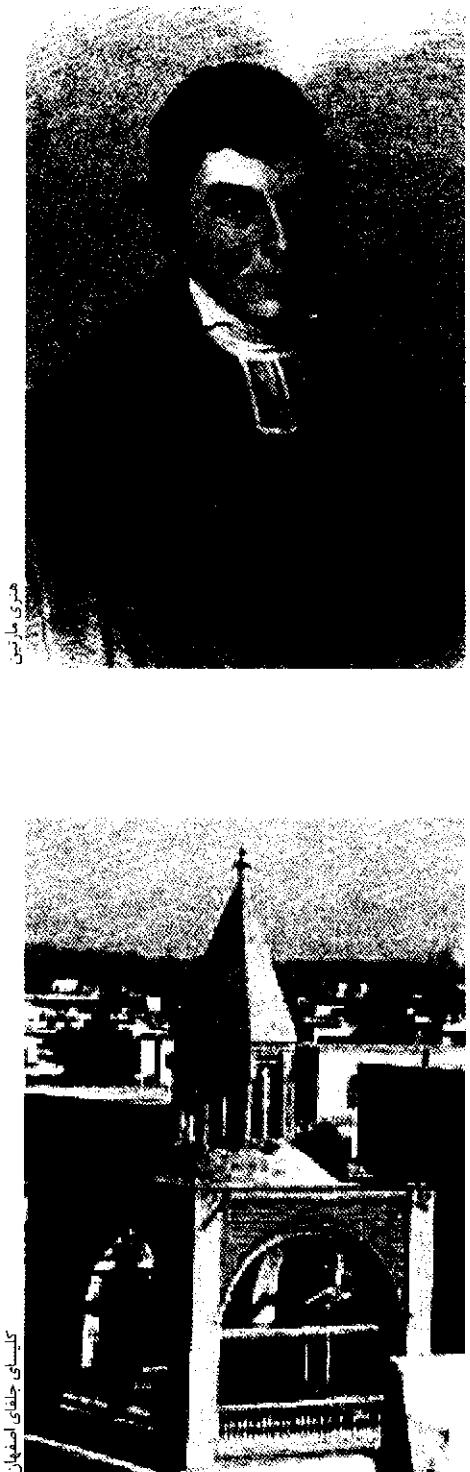
مبلغان مذهبی در سفرهای تبلیغی خود، همواره شماری از کتب مذهبی را نیز به همراه داشتند و با تکیه بر مندرجات آنها موضعه می‌نمودند. آنها پس از موضعه نسخه‌ای از این کتابها را به شوندگان اهدا می‌کردند تا در صورت لزوم با مطالعه آن به پاسخ سوالات خود دست یابند. به عبارتی کتب و رسالات مذهبی مسیحی در تاریخچه فعالیت مبلغان مسیحی اهمیت قابل توجهی داشتند و نگارش، چاپ و انتشار آنها از جمله فعالیتهاي اصلی هیاتهای تبلیغی مسیحی محسوب می‌شد. در اینین تالیف کتابهایی درباره زندگینامه مبلغان معروف و فعل در تاریخچه تبلیغ مسیحیت نیز بخشی از این فعالیتها بود. بسیاری از مبلغان مسیحی اگر نمی‌توانستند در کشورهای شرقی کتابهای مورد نظر خود را چاپ و منتشر کنند، آنها را در اروپا به چاپ می‌رساندند. البته چاپ این کتابها در داخل کشورهای شرقی مورد تبلیغ، بهتر و سیاسی تر بود و لذا آنها علاقه بیشتری داشتند که این کار را در خود این کشورها انجام دهند.^{۱۲}

۳- چاپ و نشر سرودهای روحانی مسیحی:

با ورود تیزدال به جلفا، دوران طلایی خلق آثار ادبی در انجمن تبلیغی کلیسا آغاز شد وی با خردی یک دستگاه تایپ و یک دستگاه چاپ که به دستگاه چاپ هنری مارتین معروف بود، چاپ و نشر کتب مختلف را آغاز کرد. از جمله وی نسخه اصلاح شده‌ای از یک کتاب دعا را به زبان فارسی چاپ نمود. پس از این تاریخ، هیات انجمن تبلیغی کلیسا با همکاری هیات تبلیغی مبلغان امریکایی، کار ترجمه کتب سرودهای مذهبی را در سطح وسیع تری آغاز کرد که نتیجه آن چاپ سه دوره از سه کتاب سرودهای مذهبی با عنوان سرودهای روحانی مسیحی بود. اهمیت ترجمه کتب سرودهای مذهبی به حدی بود که تمامی مبلغانی که حتی اطلاع کمی نیز از ادبیات فارسی داشتند، در کار ترجمه همکاری می‌کردند و با توجه به سرودهایی ترجمه شده، درکل باید گفت بازده کار ترجمه در سطح قابل توجهی خوب بوده است. مبلغان، علاوه بر مراضم عبادی، این سرودها را در بیمارستانها برای بیماران نیز می‌خوانند و موجب تعجب بیماران می‌شندند. به خاطر تناسب این سرودها با آهنگهای اروپایی، شنیدن آنها برای شوندگان شرقی تا حدی ناماؤس بود. از این روابط انجمن تبلیغی کلیسا در سال ۱۳۴۷/۱۹۲۸ ق.، یعنی مقارن سالهای پایانی دوره قاجاریه، کتابی مشتمل بر سی و یک سرود را به زبان فارسی و متناسب با آهنگهای شرقی چاپ و منتشر کرد و بدین ترتیب، یکی از مهمترین ابزار تبلیغ مبلغان این هیات را در اختیار آنان قرار داد.

۴- سفرنامه‌نویسی:

بیشتر مبلغان مسیحی، گزارش اقامت چندساله خود



تبليغ و تبشير و را فراهم سازد. در واقع همان گونه که در مجمع جهانی امور تبليغ مسيحيت در سال ۱۹۱۰/۸/۲۳ ق اعلام شد، مراقبتهای پر شکی، بخش درست و ضروری کار تبليغ است.

هنگامی که مبلغان انجمن تبلیغی کلیسا در ایران مستقر شدند، اگرچه از میزان جنگهای داخلی و خارجی کاسته شده بود، ولی شیوع امراض واگیر و قحط سالی های مکرر، روزبه روز بر شمار جمعیت بیمار در ایران می افزود. تنها در حد فاصل سالهای ۱۲۵۱م/۱۸۳۵-۱۲۷۸ق. هشت بار وبا در تبریز شایع شد؛ و حال آنکه به سبب پایین بودن سطح بهداشت عمومی، امکان ابتلا به بسیاری از بیماریهای دیگر مانند حصبه و ذات الریه و امثال آنها نیز در جامعه وجود داشت. اگرچه در این دوران، پزشکان ایرانی با روشهای سنتی، مداوای بیماران را بر عهده داشتند، اما با توجه به میزان تخصص آنها، این گروه نمی توانستند جوابگوی تمامی بیماران باشند. در اوقاع در صورت وجود نیروی کافی برای درمان نیز، روشهای آنان بسیار ابتدایی بود و نتایج مشتی به دنبال نداشت. از این جهت، مبلغان انجمن تبلیغی کلیسا در ایران، در اولین گامهای تبلیغی خود، رسیدگی به بیماران و قحطی زدگان را بر عهده گرفتند و در برخی مناطق - مانند کرمان - هیات پزشکی، اولین مرکز و پایگاه تبلیغی مبلغان انگلیسی به شمار می رفت. مبلغان از ساعت شش صبح تا حدود ساعت هشت بعد از ظهر از بیماران عبادت می کردند و در برخی موارد هر پزشک مبلغ با دستیارش، حدود چهل تا شصت بیمار را مداوا می کرد. برخی از پزشکان - مانند دکتر کار - پس از مداوای بیماران یک جلد کتاب مقدس نیز به آنان اهداء می کردند.

٣

اکثر مبلغان مسیحی متمایل بودند با عشاير ارتباط برقرار کنند. ارتباط بین مبلغان انگلیسي و عشاير از يك نياز دوجانيه نشات می گرفت؛ بدین معناکه مبلغان مذهبی معتقد بودند به سبب بعد مسافت و دور بودن محل زندگی عشاير از جامعه شهری. امكان توسعه فعالیت تبلیغی بیشتری را خواهند داشت و می توانند به دور از نظارات حکام محلی و عوامه مردم، به آسانی با عشاير ارتباط برقرار کنند؛ در مقابل، عشاير که به سبب دور بودن از شهرها، با کمبود امکانات آموزشی و پژوهشکي روبرو بودند، از حضور پژشكان مبلغ در بین خود حشوند می شدند. خان های عشاير بختياری و قشقالي حاضر بودند برای اقامت مبلغان آموزگار یا پژشك، تمامی لوازم و امکانات مورد نياز آنها را با حقوق مکفی در اختیار ايشان قرار دهند. طبیعی است مبلغان انگلیسي نيز از اين امر استقبال می کرند. در دوره فاجاريه شماري از پژشكان انجمن تبلیغی کليسا برای مدتی در بین عشاير ناحيه غرب و جنوب غربي ايران، به فعالیت آموزشی و پژوهشکي پرداختند. دکتر اليزيابت راس در کتاب خود به نام «با من به سرزمين بختياری بپايد» شرحی از اقامت خود در ايل بختياری را بيان كرده است. همچنین کلارا رايis در کتاب «ماری برد در ايران» به اعزام پژشكان بيمارستان انجمن تبلیغی کليسا برای مداروي خان های بختياری اشاره كرده و بخشی از كتاب ديگر خود «ازنان ايراني و

۶- تأسیس مدرسه به سبک مسیحی: بیشتر مبلغان مسیحی تلاش می کردند برنامه های تبلیغی خود را در قالب کلاس های آموزشی در مدارس خود ساخته دنیال کنند. در مدارس مسیحی، علاوه بر آموزش عقاید مسیحی و زبان انگلیسی، انواع فنون و هنرهای پسرانه و دخترانه نیز آموزش داده می شد. مبلغان، ابتدا تلاش می کردند کودکان مسیحی ایرانی را به این مدارس بکشانند و در برخی موارد تلاش می کردند کودکان بهودی و مسلمان را نیز در این مدارس ثبت نام کنند. هدف آنان از ثبت نام کودکان مسلمان، دعوت آنها به آیین مسیحی بود. البته بیشتر کودکانی که در خانواده های مذهبی تربیت شده بودند، کمتر به آرای مبلغان توجه می کردند. از جمله این دانش آموزان می توان به میرزا محمد فرجی یزدی، از شاعران قرن چهاردهم هجری قمری، اشاره کرد. وی به سال ۱۸۸۰/۱۳۰۶ م. ۱۴۳۰ م. در یزد متولد شد و پس از فراگیری تحصیلات مقدماتی در مدرسه مبلغان انگلیسی، در این شهر به تحصیل پرداخت. او مدتی بعد، با تعليمات آنها به مخالفت پرداخت و در پانزده سالگی شعاری بدین مضمون بر ضد فعالیتهای آنان سرود:

فعالیتهای مارتین:
الف- اظهار نفرت و دشمنی نسبت به ایرانیان:
هنری مارتین در زمان اقامت در هندوستان، مردم هند را به چهار دسته مسلمانان، کاتولیکهای وابسته به رم، بت پرستان و کافران تقسیم کرده بود و همه آنها را چهار چهره از اهربین به شمار می‌آورد. وی هنگامی که به ایران آمد، بر اساس همین باور تعصب آمیز، اظهار داشت که بیشتر سرشناسان خاورزمیں آدم کشن هستند. این بدیلی هنری مارتین نسبت به همه انسانهای غیرپرتوستان، در مورد مسلمانان به شیوه‌ای چشم گیرتر، رُزتر و گستردۀ تر خودنمایی کرده است تا جایی که آشکارا می‌گوید: «من هنوز بر این باور هستم که سرشناسی، در پست ترین جلوه خود یک مسلمان است»؛ و از خدا می‌خواهد که بهزادی قلمرو نفرت انگیزانشان نایلو گردد. بدون شک ایرانیان مسلمان از جمله مردمی بودند که هنری مارتین به‌ویژه نسبت به آنان ابراز بیزاری می‌کرد. وی درست یک ماه پس از ورود به ایران، یعنی در حالی که از میهمان نوازی گرم میزبان خود برهه می‌برد و هنوز تلخی‌های ناشی از رویارویی با روحانیان شیراز و تهران را هم نچشیده بود. در نوشته‌ای از سرزمین فارس و مردم آن یکسره اظهار بیزاری نموده است.

ب- معرفی ویژه مارتین به ذی‌نفوذان ایرانی:
هنری مارتین توسط ملکم به سرگور اوزلی، سفیر وقت انگلیس در ایران، معرفی شد. اسناد تاریخی به‌خوبی دشمنی این سه فرد را نسبت به ایران آمد. البته پیش از این، دیگر تبلیغ گران و نمایندگان جنبش بیداری سده هیجدهم کیش پرووتستان نیز به ایران آمده بودند. شاید هوکر (W. Hoecker) و روفر (R. Rueffer) آلمانی را بتوان نخستین تبلیغ گران پرووتستان در ایران دانست. آن دو پزشک در سال ۱۷۴۷ م. ۱۱۶۰ ق. آهنج یزد کرده‌اند تا با مهندسی برداری از حرفه پزشکی و نیاز فراوان مردم بزد به این حرفه در راستای اجرای نقشه‌های استعماری غرب گام بردارند. آنان به خواست خوبی دست نیافتند اما هنری مارتین انگلیسی که سخت تحث تأثیر اندیشه‌های وزری و جنبش متدیستی او بود، در آغازین سالهای اوج دو رویه تمدن بورژوازی غرب در ایران، توانست به عنوان فعال ترین و نامدار ترین همه کشیشان وابسته به استعمار غرب خودنمایی کند.

هنری مارتین در سال ۱۸۱۱ م. ۱۲۲۶ ق. با معرفی و کمک سر جان ملکم - از کارگردانان کمپانی هند شرقی که پیش از این تاریخ، بارهای ایران آمده بود - به ایران آمد و در شیراز اقامت گردید. وی از حمایت سرگور اوزلی، سفیر انگلیس در ایران و نیز از حمایت برخی ایرانیان مرتبط با مقامهای انگلیسی برخوردار گردید. مارتین در شیراز و تهران و هرجا که فرستایافت، بجهانی را بر ضد اسلام و به سود مسیحی گردی به راه انداخت. وی پس از تصحیح ترجمه فارسی عهد جدید به شیوه‌ای روان و شیوا، کتاب مذکور را توسط سرگور اوزلی به فتحعلی شاه تاره کار و زودبار، زمان و مکان نمی‌شناخت. وی همین که از کلکته پای بر کشتی نهاد و به سوی ایران راه افتاد، دریار فتحعلی شاه، از موضع و نفوذ گسترده سیاسی و دیپلماسی خود برای کمک به آرمان هنری مارتین بهره‌برداری کرد. اوزلی حتی هنگامی که در شیراز بود و هنوز دولتی و یکرانگی فتحعلی شاه را به خود جلب نکرده بود - تاجلی که شاه به وی بنویسد در ایران به شیوه‌ای کار کن که گویی این کشور از آن تو است - مارتین را زیر حمایت خود قرار داد و به مارتین قول داد وی را به حاکم شیراز و دستیارانش معرفی نماید و به سود او توصیه کند و نیز فهرست پرس‌وجوهای مارتین دریاره ایران و آنچه را که وی می‌خواست در ایران انجام دهد، با نگذرد و یک اسباب وحشتنی در سیاحت خود ملاحظه کرد. دیگر میل به سیاحت نکنند. و این فقره را هم از الوار و اکراد بدانند نه از شما. ثانیاً طوری روزنامه‌نویس مخفی داشته باشد که اعمالی که می‌کنند و حرفه‌ای که می‌زنند داشتند با ایلات و مردم، هر خیالاتی که دارند، فهمیده شود. این دو کار هر دو لازم است». ^{۱۳}

فارغ از جوابیه ناصرالدین شاه به ظل السلطان، از سند فوق به‌خوبی برمی‌آید که آن هنگام اگر یک حاکم محلی مثل ظل السلطان با مبلغان مسیحی درمی‌افتد، به راحتی می‌توانست از فعالیتهای آنها جلوگیری کند. اما جالب آنکه ظل السلطان خود نوکر انگلیس بود و با آنها کاملاً همسوی داشت. درواقع این اختلاف میان وی و مبلغان مسیحی کاملاً موردی بود. ^{۱۴} اینک در زیر به معرفی سه تن از فعال ترین و موثق‌ترین مبلغان مسیحی خواهیم پرداخت.

۱- هنری مارتین

هنری مارتین از نخستین نمایندگان جنبش «بیداری مسیحی گرگی» غرب بود که به ایران آمد. البته پیش از وی، دیگر تبلیغ گران و نمایندگان جنبش بیداری سده هیجدهم کیش پرووتستان نیز به ایران آمده بودند. شاید هوکر (W. Hoecker) و روفر (R. Rueffer) آلمانی را بتوان نخستین تبلیغ گران پرووتستان در ایران دانست. آن دو پزشک در سال ۱۷۴۷ م. ۱۱۶۰ ق. آهنج یزد کرده‌اند تا با مهندسی برداری از حرفه پزشکی و نیاز فراوان مردم بزد به این حرفه در راستای اجرای نقشه‌های استعماری غرب گام بردارند. آنان به خواست خوبی دست نیافتند اما هنری مارتین انگلیسی که سخت تحث تأثیر اندیشه‌های وزری و جنبش متدیستی او بود، در آغازین سالهای اوج دو رویه تمدن بورژوازی غرب در ایران، توانست به عنوان فعال ترین و نامدار ترین همه کشیشان وابسته به استعمار غرب خودنمایی کند.

هنری مارتین در سال ۱۸۱۱ م. ۱۲۲۶ ق. با معرفی و کمک سر جان ملکم - از کارگردانان کمپانی هند شرقی که پیش از این تاریخ، بارهای ایران آمده بود - به ایران آمد و در شیراز اقامت گردید. وی از حمایت سرگور اوزلی، سفیر انگلیس در ایران و نیز از حمایت برخی ایرانیان مرتبط با مقامهای انگلیسی برخوردار گردید. مارتین در شیراز و تهران و هرجا که فرستایافت، بجهانی را بر ضد اسلام و به سود مسیحی گردی به راه انداخت. وی پس از تصحیح ترجمه فارسی عهد جدید به شیوه‌ای روان و شیوا، کتاب مذکور را توسط سرگور اوزلی به فتحعلی شاه تاره کار و زودبار، زمان و مکان نمی‌شناخت. وی همین که از کلکته پای بر کشتی نهاد و به سوی ایران راه افتاد، دریار فتحعلی شاه را به خود جلب با همسفران عرب به مباحثه پرداخت. در همان سفر، گرمای توان فرسای دریا که امکان خواب و آسایش را از مسافران سلب کرده بود، کشتی‌ها را ناگزیر ساخت چند روزی در مسقط توقف کنند. در آنجا هم مارتین به جای استراحت، به عادت همیشگی خود، از پی مردم می‌شناخت و به بحث و گفت و گو می‌پرداخت.

كتاب خود، «در ایران با کاروان»، ^{۱۵} ذکر می‌کند، وی پس از بروز نارضایتیهای عمومی ناشی از فعالیت مبلغان انگلیسی، مدتی مدرسه این هیات را تعطیل کرده بود. ^{۱۶}

سند ذیل که ظل السلطان آن را خطاب به ناصرالدین شاه نوشته است، این ادعا را تایید می‌کند: «تصدیق خاک پای همایون شوم - البته در نظر انور

قدس همایون (رواح العالمین فداء) است که غلام بعد از سفر سال دویم که از اصفهان شرفاندوز حضور مبارک گردیده، مراجعت به اصفهان آمد. کتابچه‌ای در باب

کشیش پروسی، به خاک پای همایون معروض داشت، که ثبت آن کتابچه هنوز در نزد غلام موجود است و شرحی از حالات و شیوه‌های از معرفه این اتفاق را در ایام قحطی

چه قدر پول به مردم اصفهان داده و حالا مدرسه باز کرده و جمعی از اطفال از منه جلفا را به اسم تحصیل علوم در آن مدرسه برده و جمعی از از منه جلفا را برابر باشند و سال چند نفر از این اشخاص را به همراه خود به

هندوستان می‌برد و از جانشین هندوستان برای آنها نوشته می‌گیرد که تبعه انگلیس باشند و اکنون در جلفا، جمعی پیدا شده‌اند که همه مذهب پرووتستانی پیدا کرده و از تبعه دولت انگلیس اند و همه اینها که در اصفهان و

جلفا، ملک و علاقه و خانه و زندگی و عیال و قوم و خویش دارند، رفتارهای خواهند شد و این آخرگ نیم‌سوخته وقتی مشتعل خواهند شد و این اغلب

جاها را خواهد سوزاند. بلکه تا بیست سی سال دیگر هم صورت نگیرد، ولی این حضرات، تخمی می‌کارند و می‌روند تا چه وقت ثمر کند. اکنون هم رسیده آن کار سخت شده و حالا با اختصار، نمی‌توان قلع و قمع نمود و

کاری است که چون موقع از دست رفته، به سهولت نمی‌توان رفع کرد. اکنون نیز چندی است بعضی از انگلیسیها، متواتر به ایران می‌آیند و از راه بنادر فارس، از

کشتی پیاده شده مختلفاً کوهها را گردش می‌کنند و به اصفهان می‌آیند و اسم خود را سیاح می‌گذارند. از جمله

چندی قبل شخصی انگلیسی که حاکم بریلی هندوستان بود، از راه بندرعباس آمده در کوهستان‌های گرمسیرات فارس گردش کرده از راه کرمان و بزد به اصفهان آمد.

واضح است که حاکم بریلی بدون ماموریت از طرف دولت، به ایران نخواهد آمد، ولی خودش در همه جا می‌گفت که من سیاح و محض سیاحت آمده‌ام. چند دفعه هم مایل شد که نزد غلام بیاید، ولی غلام چون از جنس انگلیسیها از نزد جار دارم، به دفع الوقت گذراندم».

ناصرالدین شاه در حاشیه گزارش ظل السلطان نوشته است: «ظل السلطان! این عریضه را درست خواندم. در این فقرات خیلی باید دقت کرد. آنچه عمل کشیش است، او راه از ابتداء ای انتها و این که چه کارها کرده‌اند و می‌کنند و کدام یک از کارهای آنها حالت و مآل ضرر دولت است. بتویسید برای وزیر خارجه مجرمانه بفرستید. اینجا غور می‌شود و دستور العمل صحیح برای شما فرستاده می‌شود. هر طور حکم بشود شما رفتار بکنید.

آنچه سیاحان انگلیسی هستند، منع سیاحت آنها را که آشکارا نمی‌توان کرد. اما دو کار می‌توان کرد و آن تکلیف شما است: اولاً طوری باطنار فتار بکنید که به آنها خوش

خود ببرد تا برای او راهنمایی هایی بسته به دست آورد. اوزلی به مارتین وعده داد به گاه سفر او (مارتین)، برای وی نگهبان خواهد فرستاد. هنری مارتین از همکاری و دوستی نزدیک دیگر کارگردانان استعمار که تحت سپریستی اوزلی در ایران کار می کردند، مانند موریه و دارسی نیز برخوردار بود. مارتین در نوشته های خود آشکارا به فعالیتهای در هماهنگی با شبکه جاسوسی موجود در ایران اشاره کرده است.

ج- فعالیت در شیراز:

مارتین به محض ورود به شیراز، کار معمولی خود، یعنی به راه انداختن بحثهای مذهبی را آغاز کرد. او با افراد گوناگون ایرانی، از روحانی و غیرروحانی، به جدل می نشست و در بحثهای خود، بهبوده در خصوص نبوت پیامبر اسلام (ص) و اعجازهای او ایجاد تردید می کرد. سخن درباره «نبوت پیامبر اسلام» از جمله بحثهایی بود که با تجربه ملکم در ایران چندان بی پیوند نبود. ملکم و همراهانش در سال ۱۸۰۱م. ۱۲۶۱ق. در راه بازگشت از ایران به سوی هند، در کرمانشاه به منزل آقامحمدعلی کرمانشاهی، عالم روحانی پراوازه آن روزگار، رفتند. در آن گردهمایی، سخن از دین و آیین پیش آمد که دستاورد آن یک «رسلاله نبویه» بود که آقامحمدعلی برای ملکم و دوستانش به رشته نگارش درآورد. این که ملکم در یک نشت کوتاه با یکی از علمای بر جسته ایران در یک گفت و گوی بنیادی مذهبی (مساله نبوت) درگیر شد و او را به نوشتن رساله ای واداشت. آشکار می سازد که علمای آن روزگار هم به جدل و بحثهای مذهبی با مخالفان اسلام بسیار دلستگی و برای آن آمادگی داشتند؛ ضمن آنکه ملکم هم به عنوان نماینده با نفوذ کمپانی هند شرقی انگلیس می خواست اصولاً پیامبری اسلام در سرزمین اسلامی ایران مورد پرسش و شک قرار گیرد و علمای ایران و خودبه خود مردم دیگر در این زمینه سرگرم بحث و جدل شوند. به نظر می رسد این روند، از دیدگاه ملکم، دست کم در بنیاد باورهای مذهبی برخی مردم مستی پدید می آورد و به هر حال، در مجموع برای سیاست کمپانی هند شرقی نه تنها بی زیان، بلکه برسود بود. ملکم برای اینکه این رشتہ از گفت و گوها را در دلها و مغزها زنده و فعال نگاه دارد، قول داد جواب آقامحمدعلی کرمانشاهی را از ولایت ارسال کند. آمدن هنری مارتین به ایران، با توجه به کمک ملکم به وی و نیز آگاهی ملکم از روحیه و روش جدلی او و بهبوده انتخاب همان مساله نبوت از سوی مارتین و درگیرساختن علماء و مردم در این زمینه، به نظر می رسد با قول مذکور از سوی ملکم بی پیوند نبوده است؛ بدعا برای جواب ملکم از ولایت انگلستان، همان اعزام هنری مارتین به ایران بود که ده سال پس از گفت و گوی ملکم با آقامحمدعلی کرمانشاهی رخ داد و به گفته خود ملکم، وی به ایران آمد تا کسانی را که در جمع شما نام خدا را عبیث بر زبان می رانند، سر جای خود بنشاند.

اینک مارتین به مردمی نامدار تبدیل شده بود. او در ضمن تبلیغ گریهای مذهبی و استعماری خود در شیراز،

از گسترش فرهنگ غربی تحت عنوان جشن نوئل نیز خودداری نمی کرد. خود وی از یک جشن نوئل سخن می گوید که جعفر علی خان - مرشد صوفیان - را نیز به مهمانی آن خوانده بود. مارتین در شیراز چنان زبانزد مردم شده بود که مقامات ملی از بیم تزلزل ایمان مردم، ناگزیر شدند آنان را به پایداری در یگانه دین و ایمان حقیقی شان ملزم سازند. خود مارتین در این زمینه ادعا می کند:

«بزرگان شهر و علماء لحظه‌ای مرا آرام نمی گذارند.

دسته اول از روی حرمتی که برای موطنم دارند و دسته دوم از آن روی که به کار من علاوه‌مندند، به سراغم می آیند. از آنجاکه ایرانیان کمتر از هندوان تعصب دارند و مردمی کنگناک‌اند، امیدوارم برای آنان منشأ خدمتی باشم!»

مارتین به هر شیوه که مناسب می دید، برای رسیدن به هدف خود اقدام می کرد. او حتی از به کاربردن حیله و نیز نگ ابابی نداشت. به عنوان مثال، باور همگانی در شیراز بر این شده بود که هنری مارتین به آنجا آمده است تا مسلمان شود.^{۱۷} بمنظور می رسد این شایعه بر پایه ادعای خود هنری مارتین استوار بوده است؛ زیرا طبق نوشته آقامحمد رضا همدانی، مارتین از میرزا راهیم خواسته بود بایی از ایوان ادله و براهین مفید علم و یقین در اثبات نبوت حضرت قائم النبیین (ص) بنویسد که شاید بدين وسیله و تدبیر قاید توفيق تقدیر دامنگیر شده وی را از بیداری تشکیک به شاهراه تحقیق رساند.

د- مناظره با علمای شیعه:

هنری مارتین به این نتیجه رسیده بود که باید با علمای بر جسته و مراجع تقليد شیعه نیز رویارویی شود و جدل کند و از آن رهگذر به آرمان خود در چارچوب سوداگری و سودگرایی استعمار انگلیس نزدیک شود. درنگ یازدهم‌اهه هنری مارتین در شیراز سرآمد و با ترجمه فارسی خود از کتاب عهد جدید، که با همکاری یکی از ایرانیان انجام داده بود، راهی تهران شد تا نسخه‌ای از آن را به فتحعلی شاه دهد و از آن راه، انجيل فارسی خود را جاودانه سازد. وی در راه، یک هفته در اصفهان درنگ کرد. چنین می نماید که هنری مارتین و زندگینامه نویسان غربی او پیرامون ادامه جدل و مناظرات مذهبی او با علمای اصفهان سخنی به میان نیاورده‌اند. ولی مفتون دنبی، تاریخ گر ایرانی معاصر او، در حالی که از او با عنوان یوسف نام پادری یاد می کند، می گوید که مارتین به اصفهان امده و نزد علمای آنجا تحصیل کرد و مهارتی تمام در خط و علم و دین مسلمانی از فضلای کرام به هم رسانید. محمد معصوم شیرازی نایب الصدر نیز، ضمن اشاره به حادثه و فتنه هنری مارتین پادری نصرانی، می آورد که وی در اصفهان نیز به مناقشه و معارضه با علمای اعلام و حکماء اسلام درآمد. نایب الصدر از جمله کسانی که با هنری مارتین گفت و گو کرده‌اند، حاجی اصفهانی را - که همان ملاعای نوری اصفهانی است - باد می کند. تنکابنی می نویسد که وی چند سال در خدمت

مراکز اصلی انجمن تبلیغی کلیسا و انجمن انجیل برای بریتانیا در خارج، در تهران و اصفهان متصرف بودند و تقریباً در فاصله زمانی حدود صد سال - از آغاز تا پایان دوره قاجاریه -

هدفه هزار و چهارصد و دوازده جلد حاوی بخشهایی از تورات، بیست هزار جلد انجیل، شصت و چهارهزار جلد عهد جدید، به همراه عهد عتیق و مزمایر را چاپ و برای استفاده عامه مردم در ایران منتشر کردند؛ حال آنکه در آن زمان تعداد جمعیت باسوساد ایران از ده هزار نفر بیشتر نبود!

بیشتر مبلغان مسیحی، گزارش اقامت چند ساله خود در ایران و دیگر سرزمینهای شرقی را به صورت سفرنامه نوشتند و تنظیم کردند. این اسناد تنها در حیطه امور تبلیغی مبلغان مورد استفاده قرار نمی گیرند، بلکه یکی از مهمترین منابع برای تحقیق و پژوهش در ادوار تاریخی جهان و ایران محسوب می شوند



بیشتر مبلغان مسیحی تلاش می‌کردند برنامه‌های تبلیغی خود را در قالب کلاسهای آموزشی در مدارس خودساخته دنبال کنند. هدف آنان از ثبت‌نام کودکان مسلمان، دعوت آنها به آیین مسیحی بود

- و سرانجام انجیل مارتین:

هنری مارتین در حالی که نامه سفارش از اویلی برای دو تن از حاکمان ترکیه عثمانی را همراه داشت، در سال ۱۸۲۷ م. ۱۲۲۷ ق. در راه بازگشت به انگلیس در «توقفات» ترکیه در حالی که از بیماری و تب رنج می‌برد در سی و یک سالگی جان سپرد. بیش از چهل سال پس از آن در سال ۱۸۵۶ م. ۱۲۷۳ ق. بر مزارش به عنوان یک قهرمان، بنای یادگاری به پا کردند. اگرچه هنری مارتین نتوانست خود به دیدن شاه و یا ولی‌عهد او، عباس میرزا، برود تا انجیل فارسی‌اش را به آنها تحویل دهد، اما بالاترین نماینده سیاست استعماری انگلیس در ایران، یعنی سرگور اویلی مستقیماً با دل‌بستگی فراوان، آرمان او را دنبال کرد. هم اویلی و هم همسرش سخت به مارتین کمک کردند. اویلی در همان هنگامی که در راستای سودگرایی استعمار انگلیس و به بهای ازدست رفتن سرزمینهای ایران، به روشهای و کساندیر یکم خدمت می‌کرد، می‌کوشید تا مسیحی‌گری از گونه انگلیسی‌اش را به واسطه رایج ساختن ترجمه عهد جدید مارتین در ایران گسترش دهد. اویلی ترجمه یادداشت را به شاه تقدیم کرد و از او فرمانی به مورخ ربیع الاولی (فوریه مارس ۱۸۱۴) که سخن‌های از آن هم‌اکنون در موزه فارسی ایران و شیوه‌ای از عهد جدید و تلاش کارگزاران استعمار انگلیس در چاپ و پخش آن، هم رهبران مذهبی ایران و هم سیاستگذاران دربار قاجاری را دچار بیم و نگرانی کرده بود. از این رو پس از رسیدن دامنه تلاش‌های مارتین به پایتخت و دربار قاجار و کوشش‌های علی سفیر انگلیس در راستای ترویج و پخش انجیل فارسی، هم دربار و هم رهبران بزرگ و پرآواره مذهبی، به تکاپو افتادند. رهبران مذهبی با ایشان نگرانی عمیق از مساله مارتین و به خاطر بیم از گسترش تزلزل در باور عمومی، به نگارش رساله‌های ضد پادری اقدام نمودند.

آخرond ملا علی نوری تلمذ نموده که مسلمان مدت آن از یک کنخکاری عمومی و بی‌مانند خبر می‌دهد که خود به او در شهرهای تبریز، شیراز و دیگر جاهای درخصوص انجیل برانگیخته بود. گزارش‌های گوناگون ناظران و برخی نویسنده‌گان دوره‌های پس از مرگ مارتین نیاز اثبات نسبی تلاش‌های او خبر می‌دهند. جوزف ولف (Joseph Wolf) تبلیغ‌گر دیگری که در سال ۱۸۲۴ م. ۱۲۴۰ ق. به ایران آمد درباره تلاش‌های مارتین نوشت: چرا غی که او در ایران برافروخت، هرگز خاموش نخواهد شد در سال ۱۸۲۵ م. ۱۲۴۱ ق. وزیر بریتانیا از تبریز این گونه پیرامون گذاردۀ است که هیچ شخص دیگری نمی‌تواند امیدوار باشد که به همان اندازه چنین کند؛ زیرا وی، نه تنها برای کاری که به عهده گرفته بود کامل‌اً مناسب بود، بلکه شاید نخستین روحانی مسیحی بود که نشان داد در هر دانشی که ایرانیان به حد اعلی آن را گرامی می‌داشتند، بر ایرانیان افضل است».

هنری مارتین نشسته‌های نیز با صوفیان شیراز داشت. وی با فردی به نام میرزا ابوالقاسم بحث و جدل کرده که به باور او بخشی بزرگ از مردم شیراز پنهانی یا آشکارا سر بدبو سپرده بودند. خود مارتین می‌نویسد که او با فرزند یکی از مجتهدان، که از مذهب خسته شده و به صوفی‌گری پنهان آورده بود، بحث کرد. مارتین با صوفی نامدار دیگری به نام آقابزرگ به بحث و جدل پیرامون مسیحی‌گری پرداخت. چنین می‌نماید که هنری مارتین، با توجه به ستیز همیشگی میان صوفیان و مجتهدان، می‌کوشید ضمن رذ مذهب رسمی ایران و نادرست انگاشتن باورهای صوفیانه بنیاد باورهای پیروان مذهب رسمی و صوفی‌گری را به سود مسیحی‌گری مورد تأیید و حمایت استعمار انگلیس یک جاست سازد. مارتین در همین بیوند، رساله‌ای نیز نگاشت که در آن، ضمن رذ صوفی‌گری، کیش‌های موسی و عیسی را لز حقیقت برخوردار دانست.

۱- تأثیر فعالیتهای مارتین در ایران:
گرچه تلاشها، مناظره‌ها و جدل‌های مارتین نتوانست شمار چشم‌گیری از مردم ایران را به کیش مسیحی

مقروع سمع سمیع شود. لهذا باید آن عالیجنابان مراتب رضامندی خاطر همایون را به تمایی فضلاً و محققین و عرفان و عموم اهالی ملت مسیحیه که متوجه اشتها و اجتهاد کتاب انجیل می‌باشند. اعلان و اعلام دارند و در عهده شناسند»^{۱۰}

حدود شش ماه پس از فرمان فتحعلی‌شاه در بیست سپتامبر ۱۸۱۴، اوزلی نامه‌ای به رئیس انجمن کتاب مقدس بریتانیا و کشورهای خارجی نوشته که نشان می‌دهد وی نسخه‌هایی از ترجمه فارسی کتاب مقدس را میان وزیران ایران نیز پخش کرده و به ویژه کوشیده است آن را به کسانی بدهد که به صوفی گرایش داشتند و خوب‌به‌خود از رهبران دین رسمی ایران ناخشنود و به گمان اویلی از ضریب خودن ولو موقتی و زودگذر آنان از سوی یک تبلیغ‌گر مسیحی خشنود بودند. اوزلی منتظر نشد تا انجمن کتاب مقدس درخصوص چاپ انجیل او تصمیم بگیرد. وی خود نسخه‌ای از ترجمه فارسی عهد جدید را به روسیه برد و آن رادر سال ۱۸۱۵ ق. به کمک یکی از شاهزادگان روسی، که سرپرستی انجمن کتاب مقدس روسیه را بر عهده داشت. در شهر پترزبورگ به چاپ رساند.^{۱۱}

۲- زوحف و لف (متولد ۱۷۹۶/۰۵/۱۲۰۰ ق.)

یکی دیگر از مبلغان منفردی که پس از هنری مارتین به ایران آمد و فعالیت گسترده‌ای را در دربار قاجار و شهرهای مختلف ایران برای اشاعه مسیحیت در پیش گرفت، مردم آلمانی تبار و یهودی‌الاصل به نام زوحف و لف رویدادهای اقتصادی مهمی نظیر انعقاد قرارداد تجاری روتیر، امتیاز تالبوت در انحصار خرد و فروش توتوون و تنبکاو و آزادی کشتیرانی در کارون، نقش موثری ایفا کرد. علاوه‌بر این، وی را باید پیشرو تفکر رسمیت‌بخشیدن به حضور روسیه و انگلستان در ایران دانست که سرانجام بالتفاوت عهدنامه ۱۹۰۷/۰۵/۱۳۲۵ ق. به همه این امر نشات حقیقت پیوست.

فعالیتهای ولف:

الف- ملاقاتهای سیاسی - تبلیغی:

زوحف و لف شرح سفر خود را در کتابی با عنوان «تحقیقات و زحمات تبلیغی بین یهودیان، مسلمانان و سایر فرق» به تفصیل بیان کرده است. وی در این سفر، با شاهزادگان قاجار از جمله عباس‌میرزا نایب‌السلطنه و اعضای سفارت انگلستان در آذربایجان مائندک‌تک‌مکنیل (Dr. McNeil)، سرجان کمپبل (Dr. Campbell) و دکتر کورمیک (Dr. Cormick) ملاقات کرد. او در طول سفر همواره خود را یک انگلیسی واعظ معرفی می‌کرد و با پیروان فرق و ادیان مختلف به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت. به گونه‌ای که بخشی از کتاب او به شرح مباحث وی با یهودیان، زرتشیان، ارامنه مسلمانان شیعه، سنی، صوفیان... اختصاص دارد.

زوحف و لف در خراسان با عباس‌میرزا نیز ملاقات کرد. در این دیدار، عباس‌میرزا از عقیده و لف مبنی بر تأسیس مدرسه در ایران، استقبال نمود و حتی در یکی از مباحث و لف با مسلمانان و یهودیان شرکت کرد. عباس‌میرزا خود با ول夫 به مباحثه پرداخت و سپس در نامه‌ای او را به امیرکا داشت و در آنجا برای خدمت در کلیسا، دست گذاری - مراسم انتخاب فرد به مقام روحانیت در کلیسا - شد. گفتنی است، طی ایام اقامت ولف در امریکا، به سبب فعالیتهای او در خصوص بررسی وضعیت یهودیان شرق، جان کوئینسی آدامز - رئیس جمهور وقت ایالات متحده که از مدافعان اندیشه حمایت از یهودیان و صهیونیسم به

بخاراً معرفی نمود. در مقابل این استقبال عباس‌میرزا از ولف، وی در بیرون گردید به سرفت دوازده هزار تومان از اموال عباس‌میرزا متمهم شد و تحت تعقیب قرار گرفت^{۱۲} که به سبب انگلیسی‌بودن او را رها کردند. ول夫 پس از رهابی، نسخی از کتاب مقدس را به زبان عربی و فارسی در آن ناحیه پخش کرد.

ولف در آخرین سفرش به ایران در سال ۱۸۴۳/۰۵/۱۲۵۹ ق. با همراه‌آوردن تعداد قابل توجهی کتاب مقدس (عهد جدید) و پس از دریافت سفارش نامه‌هایی از سلطان عثمانی و شیخ‌الاسلام آن سامان، با محمدشاه قاجار ملاقات کرد و از وی نیز سفارش نامه‌هایی برای فعالیت گسترده‌تر دریافت نمود.

ب- فعالیتهای استعماری:

همان گونه که گذشت، فعالیتهای تبلیغی کلیسا همواره با سیاستهای استعماری کشورهای استعمارگر هماهنگ بود. فعالیت زوحف و لف نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از مهمترین نتایج فعالیت تبلیغی ازدواج است. پس از هنری دراموند بود که بعداً به نمایندگی مجلس انگلستان رسید و مدتی نیز به عنوان وزیر مختار انگلستان در ایران به خدمت پرداخت. سرهنری دراموند و لف مقارن انجام مأموریت خود در ایران ۱۸۸۷-۱۸۹۰ ق. به عنوان یکی از سیاستمداران فعال در عرصه اقتصاد بین‌الملل انگلستان و به سبب ده سال نمایندگی حزب محافظه‌کار در مجلس این کشور، از حمایت و پشتیبانی کارگزاران دولت متبعه خود برخوردار بود. وی با تکیه بر تجربیات اقتصادی خوبش و به منظور کاهش نفوذ روسیه در صدد جلب سرمایه‌گذاری تجار انگلیسی در ایران برآمد و در رویدادهای اقتصادی مهمی نظیر انعقاد قرارداد تجاری روپتر، امتیاز تالبوت در انحصار خرد و فروش توتوون و تنبکاو و آزادی کشتیرانی در کارون، نقش موثری ایفا کرد. علاوه‌بر این، وی را باید پیشرو تفکر رسمیت‌بخشیدن به حضور روسیه و انگلستان در ایران دانست که سرانجام بالتفاوت عهدنامه ۱۹۰۷/۰۵/۱۳۲۵ ق. به همه این امر نشات حقیقت پیوست.

سرانجام به دنبال فعالیتهای گسترده و مداوم زوحف ولف برای تبلیغ یهودیان شرق میانه - خاصه ایران - انجمن لندهای اشاعه مسیحیت در میان یهودیان، در سال ۱۸۴۴/۰۵/۱۲۶۰ ق. اولین مبلغان مسیحی را برای فعالیت در جوامع یهودی ایران اعزام کرد. از سوی دیگر، با توجه به این که مقارن قرن نوزدهم

میلادی/ سیزدهم قمری، ایران از نظر موقعیت سوق الجیشی و استراتژیک به عنوان دروازه دسترسی به هندوستان، همواره مورد توجه دولتهای انگلستان و روسیه قرار داشت، سفرهای مکرر ول夫 به شرق میانه را نمی‌توان با اهداف سیاسی و استعماری انگلستان در این ناحیه بی‌ارتباط دانست؛ خاصه‌آنکه حضور ول夫 به عنوان مبلغ مذهبی در شرق میانه، کمتر از سفر کارگزاران سیاسی و نظامی انگلستان، توجه امرا و اهالی آن ناحیه را جلب می‌کرد.

ج- دستاوردها:

بروس را برای اقامت دو ساله به ایران فرستاد. رابت بروس یک مبلغ ایرانی از اعضای کالج تثلیث دوبلین بود که در بیست و پنج سالگی و به سال ۱۸۵۸م/۱۲۷۵ق. از مقام شماشی - خادم کلیسا و رتبه‌ای پلیس تراز کشیش - به عنوان کشیش، تعمید داده شد و برای خدمت در هیات انجمن تبلیغی کلیسا در ناحیه آمریتلر در پنجاب هندوستان مستقر شد. بروس در سال ۱۸۶۸م/۱۲۸۵ق. به سبب بیماری به همراه همسرش به ایران اعزام شد. اعضا این هیات سمنفره به طور همزمان در مناطق یهودی نشین ایران به جمع اوری اطلاعات و تبلیغ و تبیشر یهودیان پرداختند و شرح مشاهدات خود را در اختیار انجمن قرار دادند. مدتی بعد، فعالیتهای مبلغان این هیات در بین یهودیان ایران، توجه سرمهس مونته فیوره - رهبر یهودیان انگلستان - را به خود جلب کرد و وی بودجه خاصی را برای کمک به این هیات درنظر گرفت. بدین ترتیب، هیات اشاعه مسیحیت در بین یهودیان، در شهرهای تهران، اصفهان و همدان، سه مرکز تبلیغی تأسیس کرد و از آن پس، همکاری خود را با انجمن تبلیغی کلیسا در اصفهان که در میان تمام اقليتهای ایران رو، وی در سال ۱۸۶۹م/۱۲۸۶ق. به عنوان تنها نماینده انگلیسی دولت انگلستان در جلفای اصفهان مستقر شد تاترجمه فارسی انجیل و تورات راصلاح نموده کتاب دعایی را به زبان ارمنی ترجمه کند.^{۲۲} وارد بروس به اصفهان با یکی از دور بروز قحطی در سراسر ایران و شیوع وبا در اصفهان همزملن بود. در این دوران، به سبب کمبود آب، عمل نیامدن محصولات کشاورزی و بی‌توجهی دولت به توزیع عادلانه مواد غذایی، قحطی سختی در ایران گسترش یافت که به شیوع وبا و مرگ و میر عده زیادی انجامید. بروس با تکیه بر وظایف تبلیغی خویش، در صدد برآمد ضمن انجام امور خبریه برای نگهداری و رسیدگی به قحطی زدگان و بیماران مبتلا به وبا. اولین نمونه از فعالیتهای انجمن تبلیغی کلیسا را به جامعه اصفهان معرفی کرد. وی پس از آنکه همسرش در سال ۱۸۷۰م/۱۲۸۷ق. به او ملحق شد، کار رسیدگی به آسیب دیدگان را آغاز کرد و حدود هفت هزار نفر را که دوهزار نفر آنها را ارمنی بودند، تحت پوشش قرار داد. بدین ترتیب، حدود شانزده هزار پوند از لندن و مبلغی حدود هزار پوند به عنوان اعلان برای قحطی زدگان، خالصه ارامنه و یهودیان جلفا و اصفهان به دست بروس رسید. هزینه نگهداری و رسیدگی از این افراد را، بروس و برخی حامیان امور تبلیغی در انگلستان و اروپا تأمین می‌کردند.

برخی از ارامنه جلفا از فعالیتهای بروس استقبال کردند و به وی پیشنهاد کردند در تأسیس یک مدرسه کوچک برای ارامنه به آنها کم کند. البته در همان حال گروه دیگری از ارامنه جلفا به طور علتنی با حضور بروس و فعالیتهای او- که کمایش سبب تغییر آینین برخی از ارامنه و پذیرش آینین پرووتستان شده بود- مخالفت می‌کردند.

بروس طی پنج سال اقامتش خود در ایران، علاوه بر انجام امور خبریه که در نهایت برای جلب توجه اهالی اصفهان و جلفا نسبت به فعالیتهای هیات تبلیغی بود، امر تبلیغ و ترویج آراء و عقاید مسیحیت پرووتستان را نیز بر عهده داشت. وی برای نیل به این مقصد، مراسم مذهبی را در محل اقامتش خود به زبان فارسی برگزار می‌کرد و تنها سرودها و مزامیر را به زبان ارمنی بیان می‌نمود. وی بر آن بود که علاوه بر ارامنه سایر اهالی جلفا و اصفهان مائند مسلمانان و یهودیان را نیز به پذیرش آراء و عقاید پرووتستان دعوت کند. البته فعالیت او در این زمینه در بیشتر موارد بنتوجه بود. با این حال، پس از گذشت شش سال از اقامتش بروس در

۳- رابت بروس

انجمن تبلیغی کلیسا با توجه به ساختار مذهبی ایران مبنی بر حاکمیت غالب دیانت اسلام و تعصب مسیحیان بومی و سایر اقليتهای دینی در حفظ آینینهای خویش مایل بود بخش عده فعالیتهای تبلیغی خود را در سرمهسینی چون هندوستان متمرکز کند تا از این طریق تاحدوی تحت حمایت نیروی استعماری انگلیسی حاکم بر آن منطقه، قرار گیرد و در ضمن، به تغییر کیش اهالی بومی آن سامان که به این امر مستعدتر و متمایل تر بودند. پیرپاراد. اما ناگفته نماند که اعضای انجمن تبلیغی کلیسا، به رغم سفرهای مبلغان منفرد، برای حفظ حقوقهای ارتباطی خود در هندوستان، همواره امکان فعالیت در ایران را محدود نظر داشتند. با این حال آنها هیچگاه در صدد تأسیس یک پایگاه ثابت در ایران برآمدند و شاید هم مبلغ داوطلب برای انجام این کار نیافرند؛ چراکه برای ایجاد چنین مرکزی، آنان نمی‌توانستند از وجود مبلغان منفرد سود جویند. درواقع، انجمن تبلیغی کلیسا حداقل به دو یا سه مبلغ دایمی نیاز داشت تا امکان حضور و فعالیت آنان را کمایش تاحدوی یک سال در ایران بررسی نمایند و اطلاعات مورد نیاز آنان را برای توسعه امور تبلیغی در این کشور جمع آوری کند. سرانجام زمان مناسب برای این کار در سال ۱۸۶۹م/۱۲۸۵ق. یعنی مقارن بیست و پنجمین سال حکمرانی ناصر الدین شاه قاجار (متوفی ۱۸۹۶م/۱۳۱۲ق.) فراهم شد و انجمن تبلیغی کلیسا مبلغی به نام رابت

۱- ملاقات با قشرهای مختلف مردم، از جمله مهمترین فعالیتهای ول夫 در سفرهایش به شرق میانه و ایران، ملاقات با قشرهای مختلف مردم بود. وی، طی دیدار با افراد گوناگون، آمادگی آنان برای گرایش به مسیحیت را مقدم نظر قرار می‌داد و به شیوه‌های مختلف توجه آنان را به این آینین جلب می‌کرد. از جمله اقدامات او در این زمینه، ملاقات وی با فردی به نام میرزا البراهیم شیرازی است. گویا ول夫 پس از آشنایی با او و بررسی تواناییهای او، هزینه سفر وی به انگلستان را متنقبل شد. گرچه از هدف اصلی ول夫 برای اعزام میرزا البراهیم به انگلستان اطلاع دقیقی در دست نیست، اما میرزا البراهیم با حمایت سرگور اوزلی به عنوان استاد زبان فارسی و عربی در کالج هند شرقی هیلی بری (East India College Haileybury) به کار مشغول شد. البته از تغییر یا عدم تغییر مذهب میرزا البراهیم به وسیله ول夫 اطلاع دقیقی در دست نیست، اما نمی‌توان قبول کرد که بی‌هدف، ول夫 هزینه سفر وی را متنقبل شود و سرگور اوزلی نیز مقدمات تحصیل و تدریس وی را در انگلستان فراهم کند. از آنجاکه وی با یک زن انگلیسی ازدواج کرد و نام فرزند او نیز نامی مسیحی بود، می‌توان وی را یکی از نخستین دست پرورددهای ول夫 و سایر مبلغان انگلیسی در ایران قاجاری دانست.

۲- ول夫 درباره نسطوریان مقیم ارومیه و خسروی تحقیق کرد و نسخه ارزشمندی از اسفار پنج گانه تورات به زبان سریانی را با خود به انگلستان برد که انجمن کتاب مقدس، برای بریتانیا و خارج چندین نسخه از آن را چاپ و منتشر کرد.

۳- خدمت ول夫 به مسیحیت، صرفاً محدود به حوزه ایران نبود. وی در سال ۱۸۳۵م. سومین سفر خود را از انگلستان به شرق میانه از سر گرفت و این بار به تحقیق درباره مسیحیان و یهودیان قاهره، حبشه، جده و یمن پرداخت و نسخه‌هایی از کتاب عهد جدید را در دسترس آنان قرار داد.^{۲۰}

۴- تبلیغات و تحقیقات ول夫 به نتایج مشتی در نجده تعامل میان یهود و مسیحیت در ایران اجلالید. قضیه از این قرار بود که انجمنی به نام «انجمن اشاعه مسیحیت در بین یهودیان» در سال ۱۸۰۹م/۱۲۴۴ق. و به منظور تبلیغ و تبیشر یهودیان به آینین مسیحیت و ایجاد تسهیلات آموزشی و پژوهشی برای آنان در سراسر جهان، در لندن تأسیس شد. اما اعضای این انجمن تازه‌زمان و روود ژوف ول夫 به ایران و سفرهای مکرر او- در دهه‌های

3- Persian Women and Their Ceremonies

4- Napier Malcolm

5- Five Years in a Persian Town

6- Persian Sketches

7- The Development of Persia

8- Glimpses of Persia

9- Doctors in Persia

10- Persian Old and New

11- Persian Pie

12- The Robber's Son Hassan

13- Through Persian by Caravan

۱۴- صفورا برومند، همان، صص ۲۳۲ - ۲۰۰ (با تلحیص، تغییر و تصرف).

۱۵- همان، صص ۲۸۰ - ۲۷۷ (با تلحیص، تغییر و تصرف).

۱۶- از جمله دلایل دال بر هم‌سیبودن ظل‌السلطان با انگلیسیها، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- یعنی دولت‌آبدی که خود و پدرش از نوکران انگلیس و از مشروطه‌خواهان طرفدار انگلیس بودند، در خصوص انگلیس بودن ظل‌السلطان می‌نویسد: «انگلستان در تمام نقاط جنوبی عوامل خود را به کار آداخته، که از جمله آنهاست ظل‌السلطان حاکم اصفهان و پسر او جلال‌الدوله حاکم بزد و جمعی از خوانین بختیاری که در اصفهان و اطراف اصفهان می‌باشند. ظل‌السلطان با انگلیسیان کاملاً مربوط است و مانند یک توکر فرمادار به آنها خدمت می‌کند. پسرش حاکم بزد هم به طریق اولی» (یعنی دولت‌آبدی، حیات یحیی، ج. ۱، تهران، عطاء و فردوسی، ج ۱۳۷۱، ص ۳۷۱).

۲- ظل‌السلطان تشكیلات منظمی از قشون و سازوگار نظامی به منظور اجرای منویات در سراسر حوزه وسیع حکومتش فراهم اورد. حمایت بیش از حد انگلیسیها از او باعث شده بود ظل‌السلطان گاهی حتی از دستورات شاه سریعی کند. با حمایتی که انگلیسیها از وی نشان می‌دادند، ناصرالدین شاه کم کم به وحشت افتاد و در صدد محدود کردن قدرت او را بد و به تحریک امین‌السلطان، یک ژنرال و صاحب منصب اتریشی را برای بررسی قدرت نظامی او روانه اصفهان کرد. (موسی نجفی، حکم نافذ آفغانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۴ - ۱۳۳).

۳- در قضیه تباکو، ظل‌السلطان برای تجدید مرائب خدمتگذاری خویش نسبت به دستگاه رزی و انگلیس، تلاکرافی به آرنسنین فرستاد و نوشت: «بر عهده خود واجب می‌دانم که مساعی خود را لازم جهت به کاربرم و تابه حال با وجود ضعف و ناخوشی، از هیچ کمکی مضایقه نداشتم». هرچه مستر موئیر خواسته همراه برآوردهام و بعد از این نیز انجام خواهم داد و به حرمتهای آخوندنا تباید اعتنای داشت. (ابراهیم مغلایی، رهبران مشروطه، تهران، جاویدان، ۱۳۴۶؛ نقل از موسی نجفی، همان، صص ۶۴ - ۶۳).

۴- سه سال پس از نهضت تباکو که ناصرالدین شاه به علت اعتراض مردم، ظل‌السلطان را به تهران بخود آورد و ظل‌السلطان را برای برآوردهام به ناصرالدین شاه تحملی کردن و حکم دوباره برای اصفهان را او گرفتند.

۱۷- حامد‌الکار، دین و دولت در ایران (نقش علماء در دوره قاجار)، ترجمه ابوالقاسم ستری، تهران، توسع، ج ۱۳۶۹، ص ۱۶۷.

۱۸- عبدالهادی حاری، نخستین ریوارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن و پیروزی‌گری، تهران، امیرکبیر، ج ۱۳۷۸، ۳، صص ۵۰۷ - ۵۳۲ (با تلحیص، تغییر و تصرف).

۱۹- ولف، یک بار دیگر نیز، مدتی در بخارا زندانی شد تاکنکه به وساطت محمدشاه و اصرار کلیل شیل، سفیر انگلستان در ایران، ازاد شد و به ایران بازگشت.

۲۰- صفورا برومند، همان، صص ۱۱۹ - ۱۲۸ (با تلحیص، تغییر و تصرف).

۲۱- همان، صص ۱۹۶ - ۱۹۴ (با تلحیص).

۲۲- جرج ناتانیل کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه ع. وحد مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، ص ۷۱.

۲۳- صفورا برومند، همان، صص ۱۵۵ - ۱۳۵ (با تلحیص، تغییر و تصرف).

نفر بود و در مدت پانزده سال، حدود پنجاه و شش درصد به تعداد دانش‌آموزان آن افزوده شد. برنامه درسی این مدرسه عبارت بود از: آموزش زبان لاتین، فرانسه، انگلیسی، چهار کتاب اول هندسه‌اقلیدسی و جبر، که بعضی از این دروس به نوجوانان تدریس می‌شد. به نقل از دکتر ویلز، برنامه درسی این مدرسه با کلاس‌های درسی سیکل اول دبیرستان در انگلستان مطابقت داشت. علاوه بر مدرسه پسرانه، هیات جلفا مدرسه دخترانهای نیز ایجاد کرد. این مدرسه را مبلغان زن اداره می‌کردند و حدود صد دانش‌آموز دختر در آن به تحصیل اشتغال داشتند. همچنین کلاس‌های خاصی برای تعلیم فنون و حرف مختلف، از جمله نجاری برای پسران و خیاطی، سوزن‌دوزی و بودروی دوزی برای دختران در نظر گرفته شده بود که به سبب امکان استفاده از این فنون در زندگی روزمره و امور معاش، این کلاس‌ها بسیار مورد استقبال داشتند. همچنان مبلغان هیات انجمن استاد کاری همکاری و شماری از آنان نیز از جمله زنان مبلغ بودند. از آن پس، فعالیت مبلغان هیات انجمن تبلیغی کلیسا در جلفا در سطح قابل توجه توسعه یافت و در سه شاخه امور مذهبی، آموزشی و پزشکی متصرک شد که در رواق دو شاخه آموزشی و پزشکی، جزئی از فعالیت مذهبی بودند.

جلفا، سرانجام انجمن تبلیغی کلیسا مقاعد شد تا فعالیت بروس در ایران را به رسمیت بشناسد و بدین ترتیب در تلستان ۱۸۷۵ م. ۱۹۱۰ق اولین هیات انجمن تبلیغی کلیسا به طور رسمی کار خود را در ایران دنبال کرد و از پشتیبانی و حمایت دائمی و رسمی انجمن مذکور برخوردار شد.

به مرور ایام و به ویژه پس از سفر موقیت‌آمیز بروس و خلواده‌اش به ایران در سال ۱۸۸۱ م. ۱۲۹۷ق که به تأمین بودجه موردنیاز هیات انجامید، شماری از مبلغان ایرانی آمادگی خود را برای همکاری و فعالیت در هیات انجمن تبلیغی کلیسا در جلفا اعلام کردند. برخی از این اعضا مبلغ بودند. از آن پس، فعالیت مبلغان هیات انجمن تبلیغی کلیسا در جلفا در سطح قابل توجه توسعه یافت و در سه شاخه امور مذهبی، آموزشی و پزشکی متصرک شد که در رواق دو شاخه آموزشی و پزشکی، جزئی از فعالیت مذهبی بودند.

الف- فعالیتهای بروس

الف- فعالیتهای تبلیغی

اگرچه رایت بروس برای ترجمه و تصحیح متون کتب عهدتیق و جدید به ایران آمد، اما حیطه وظایف او تنها به این امر محدود نمی‌شد. آرتور آرنولد، سیاح انگلیسی، ضمن توصیف بروس از وی به عنوان یک مبلغ استثنایی، سریزار الهی با ذائقه‌ای خاص برای جنگ مذهبی در دوران مملکه‌ای زمین و مسلط‌ترین فرد در ایران به زبان فارسی باد می‌کند. رایت بروس به سبب تسلط بر زبان فارسی، علاوه بر ترجمه و تصحیح کتب مقدس برای اهالی جلفا موعظه می‌کرد و از ترجمه متون مذهبی به زبان فارسی برای جلب توجه عامه مردم سود می‌جست. همچنین بروس کلاس‌هایی برای فرآگیری زبان انگلیسی برای بزرگسالان تشکیل داده بود. پس از این کلاس‌هایی برای بزرگسالان این امر مذهبی در مهارجترها اشارة کرد میدآور می‌شود که برخی دختران دانش‌آموز در مدارس هیات انجمن تبلیغی پژوهشی و سایر علوم به ایالت متحده امریکا، هندوستان و انگلستان می‌رفتند. در مدارس هیات انجمن تبلیغی کلیسا، علاوه بر تعلیم و تدریس دانش‌آموزان، مکان مخصوصی نیز برای فعالیتهای ورزشی آنان در نظر گرفته شده بود. ■

پ- نوشت‌ها

۱- صفورا برومند، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا در دوره قاجاریه تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر، ج ۱۳۸۱، ۱، صص ۲۰۰ - ۲۰۲ (با تلحیص، تغییر و تصرف).

۲- Mary Bird in Persia رایس کتابش را با استناد به نامه‌ها و یادداشت‌های مری برد. که در ایران به «اختنم مریم» معروف بود. درباره زندگی او نوشت از نامه‌ها و یادداشت‌های خاتم مریم، اطلاعات مهمی درباره اوضاع اجتماعی ایران، قدرت و نفوذ روحانیون، شیوه زندگی زنان و مردم اصفهان و کرمان و ادب و رسوم رایج در کشور به دست می‌اید که نظایر آن اطلاعات و اگلهایها را در کفتر کتاب مشابه می‌توان سراغ گرفت. مری برد در سال ۱۸۹۱ م. به ایران آمد و به مدت شش سال در اصفهان و جلفا کار و زندگی کرد. وی در ۱۸۹۷ به ایران بازگشت و در اوایل ۱۸۹۹ دوباره به ایران آمد و چند سالی در بزد و کرمان ماند و در سال ۱۹۱۴ در گذشت ماتصالله‌آجودانی.

مشروطه ایرانی، تهران، اختزان، ج ۱۳۸۳، ۴، صص ۴۹۷ - ۴۹۸.

ب- فعالیتهای آموزشی:

رایت بروس پس از اقامت در جلفا به پیشنهاد برخی از ارمنی و با همکاری کاراپت هوانس، مدرس‌های برای آموزش پسران ارمنی در جلفا تاسیس کرد. این مدرسه در حدود سال ۱۸۷۴ م. ۱۲۹۱ق کار خود را در جلفا آغاز کرد. سه سال پس از تاسیس این مدرسه در ۱۸۷۷ م. ۱۲۹۴ق ارمنی ازین امر مذهبی در محدود صدوسی ویک شاگرد - که همگی، جز سه کودک ارمنی بودند - در این مدرسه تحصیل می‌کردند. اگرچه اکثر ارمنی به حضور در هیات ایجاد می‌کردند، اما به هر حال حضور در هیات بر وجهه ظاهری فعالیت مبلغان انجمن تبلیغی کلیسا می‌افزود.